

پژوهشی در مکان‌یابی دروازه دوم یا ورودی حاکم‌نشین در مجموعه تاریخی ارگ بم^۱

افشین ابراهیمی^۲

مری پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی و فرهنگی،
پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

اسدالله جودکی عزیزی^۲

سیدرسول موسوی حاجی^۳

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران

کلیدواژگان: کرمان، بم، ارگ بم، دروازه دوم، حاکم‌نشین.

چکیده

مجموعه ارگ بم مهم‌ترین اثر معماری شهر بم در استان کرمان است. این ساختار شهری، به‌رغم انجام پژوهش‌های گوبه، نوربخش، عدل، و آذرنوش، هنوز آن‌چنان که شایسته است به‌دقت بررسی نشده است. ویژگی‌های شهرسازی مجموعه از جمله موضوعاتی است که در مورد آن سؤالات بی‌پاسخی مطرح است. به‌رغم اشاره پاره‌ای از پژوهش‌ها به تعداد و موقعیت دروازه‌ها، در خصوص دروازه دوم ناگفته‌های زیادی هست که مستلزم تحقیقی جامع و منحصر به این موضوع است. با فروریختن پوسته‌های الحاقی در اثر زلزله سال ۱۳۸۲، آثاری آشکار شد که ساختار اصیل این دروازه را با تردیدهای جدی مواجه کرد. به همین علت در پژوهش پیش رو با بررسی‌های میدانی و اسنادی در رهیافتی توصیفی-تحلیلی-تاریخی به مطالعه این دروازه پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دروازه دوم ساختاری ثانویه دارد و موقعیت نخستین آن در برج بزرگی در فاصله ۵۰ متری شرق است. این دروازه در زمان شکل‌گیری بارو یعنی اواخر دوره سلوکی یا اوایل دوره اشکانی ایجاد شده و تا اواسط

دوره قاجاریه حیات داشته است. تحسن دو مرتبه‌ای «آقاخان محلاتی» (۱۲۵۱-۱۲۵۷ق)، تخریب گسترده برج و بارو و بسته شدن این دروازه را در پی داشت. به علت استقرار فرمانده قشون و ساخلو در بخش‌های حاکم‌نشین، برای دسترسی آسان، ورودی حاکم‌نشین به موقعیت جدید منتقل شد.

مقدمه

شهر بم در شرق کرمان است و بزرگ‌ترین شهر شرقی این استان به‌شمار می‌رود. محور تاریخی و بافت کهن باقی‌مانده این شهر مجموعه بزرگ و خشتی «ارگ بم» است. این مجموعه در شمال شرق شهر کنونی است. دسترسی عمومی به فضاهای داخلی این مجموعه هم‌اینک از طریق دو دروازه صورت می‌گیرد، یکی دروازه ورودی اصلی در جبهه جنوبی است که بیرون از مجموعه را به شارستان مرتبط می‌کند و در مطالعات باستان‌شناسی، معماری، و شهرسازی به منزله ورودی اول معرفی شده است. دروازه دیگر بدنه شارستان را به بخش حاکم‌نشین وصل می‌کند. موقعیت این

۱. مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با عنوان بررسی و مطالعه دروازه دوم یا حاکم‌نشین مجموعه ارگ بم با کارفرمایی پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن در سال ۱۳۹۴ به انجام رسیده بود.

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی دانشگاه مازندران، کارشناس پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن؛

as1977joodakiazizi@gmail.com

۳. نویسنده مسئول؛

Seyyed_rasool@yahoo.com

4. ebrahimi.researcher@

yahoo.com

پرسش‌های تحقیق

۱. ورودی کنونی حاکم‌نشین چرا ساختار یک دروازه استاندارد را ندارد؟
۲. آیا این دروازه موقعیت اولیه ورودی حاکم‌نشین را نشان می‌دهد یا موردی ثانویه به‌شمار می‌رود و در این صورت موقعیت دروازه اولیه کجا است؟

دروازه در مرکز جبهه شمالی شارستان است و در واقع ورودی اختصاصی حاکم‌نشین به‌شمار می‌رود. پس از زلزله دی‌ماه سال ۱۳۸۲ش، به‌رغم آسیبی که این مجموعه دید، پاره‌ای از ساختارهای معماری آشکار شد که در شناخت ویژگی‌های معماری و ساختاری مجموعه بسیار سودمند است. ورودی دوم نیز از این موضوع مستثنی نبود. بر اثر ریزش لایه‌های رویی و نمای باروی آن، آثاری هویدا شد که اصالت این ورودی را دچار تردید کرده است.

به‌رغم مطالعات قابل توجه در خصوص مجموعه ارگ بم، که بخشی از آن پس از وقوع زلزله به انجام رسید، جز در یک مورد، اشاره روشنی به وضعیت و ساختار دروازه دوم نشده است. نوریبخش اولین نقشه را از نیمه شرقی مجموعه ارگ بم ترسیم کرده است. از این مجموعه بناهای شاخصی چون بازار، مسجد جامع، اصطبل حکومتی، مسجد پیامبر، ساختار ارگ و شارستان، و خانه حاکم و حمام اختصاصی آن اطلاعات ارزشمندی به دست داده است.^۵ گویه نیز، ضمن برشمردن جایگاه سیاسی بم در دوره‌های تاریخی، شرح قابل توجهی از مجموعه ارگ بم بیان کرده است و به تفسیر گفته‌های جغرافیای تاریخی در رابطه با بم پرداخته است، شهر قلعه‌ای را در زمانی صاحب چهار دروازه گفته، که هم‌اینک یکی از آن‌ها مفتوح است، و ساختار مربع‌مستطیل ارگ را قابل مقایسه با نمونه‌هایی از شهرهای سنتی در آسیای میانه، از جمله هرات، خیوه، و بخارا، دانسته است، او وجود چهار دروازه در سمت‌های شرق، جنوب (دو دروازه)، و غرب را محتمل دانسته، که از آن‌ها فقط دروازه‌های جنوبی، که در نقشه با حرف I و F نشان داده شده، باقی مانده است، و در توصیفی خیالی، ارگ بم را تصویرسازی کرده و آن را شاخصی از یک شهر اسلامی ایرانی دانسته است.^۶ مهریار با اشاره به اندازه‌های مختلف خشت استفاده‌شده در چند پوسته باروی ارگ بم، وجود دوره‌های تاریخی متعدد را در ساخت آن محرز دانسته است، به بازیافت اطلاعات جغرافیای تاریخی و متون کهن پرداخته و در عین حال زمان اولیه شکل‌گیری مجموعه را مبهم دانسته است، همچنین به طور قابل توجهی مجموعه ارگ بم و عناصر شکل‌دهنده آن را نیز توصیف کرده است.^۷ کریمیان تاریخ پیدایش و تخریب مجموعه شرحی داده و مهم‌ترین گزارش‌های تاریخی را در خصوص بم در تواریخ محلی و عمومی گرد آورده است.^۸ شهریار عدل مجموعه ارگ بم را با ساختار کالبدی شهرهای «هلنیستی» آسیای میانه و خراسان مقایسه کرده و بخش عامه یا شارستان

۵. نک: حمید نوریبخش، ارگ بم: همراه با تاریخ مختصری از تحول شهرنشینی و شهرسازی در ایران.
۶. نک: هاینس گویه، «ارگ بم».
۷. نک: محمد مهریار، «سیمای تاریخی ارگ بم».
۸. نک: حسن کریمیان، «شهر بم از پیدایش تا تخریب».

اثبات رسیده است^۹، اما در خصوص دروازه اولیه، همانند دیگر تحقیقات اشاره‌ای، دیده نمی‌شود. بنا بر این در پژوهش پیش رو، با درک ضرورت بررسی بیشتر ساختار ثانویه این دروازه و مکان‌یابی ورودی اولیه، با طرح دو پرسش اساسی به این موضوع پرداخته شده است:

– ورودی کنونی حاکم‌نشین چرا ساختار یک دروازه استاندارد را ندارد؟

– آیا این دروازه موقعیت اولیه ورودی حاکم‌نشین را نشان می‌دهد یا موردی ثانویه به‌شمار می‌رود و در این صورت موقعیت دروازه اولیه کجا است؟

در این پژوهش ابتدا با بررسی‌های میدانی، یافته‌های معماری و باستان‌شناسی جمع‌آوری شدند. پس از آن، با تکیه بر مطالعات اسنادی، داده‌های منابع تاریخی، و نتایج دیگر پژوهش‌ها بررسی و گردآوری شدند و در نهایت تلاش شد، تا با بهره‌گیری از چارچوب نظری موسوم به «رهیافت تاریخی»، نتایج هر دسته از یافته‌ها (میدانی و اسنادی) با هم تطبیق داده و به این ترتیب، داده‌های جمع‌آوری‌شده تحلیل و تفسیر شوند.

۱. ورودی کنونی

پس از شارستان و در میانه جبهه شمالی فضای باز بزرگی قرار دارد. این فضای باز میدان یا «لرد^{۱۰}»ی است که بین شارستان و بخش حاکم‌نشین در جبهه شمالی فاصله قابل توجهی ایجاد و حریم هر دو بخش از مجموعه را به‌خوبی مشخص کرده است. این فضای خالی از کنار بنای موسوم به «اصطبل حکومتی» تا باروی جبهه شرقی شارستان در پهنای تقریباً برابری امتداد یافته است (ت ۱). بخش حاکم‌نشین بر روی تپه- صخره‌ای بنا شده و به همین دلیل فضای ورودی آن در تراز نابرابری نسبت به بستر مجموعه است. چون در این قسمت دامنه صخره به سمت شارستان امتداد نیافته، دسترسی به ورودی بدون ایجاد سطحی شیبدار و مصنوعی غیرممکن است. به همین دلیل

آن را چهارگوشی دانسته که طی ۲ مرحله با اندازه‌های یک «مستطیل طلایی» (هندسه متعارف این‌گونه شهرها) برابر شده است، به این دلیل و با لحاظ پاره‌ای از احتمالات، زمان اولیه شکل‌گیری آن را اواخر دوره سلوکی یا اوایل اشکانیان گفته است، وی به وجود چهار دروازه در باروی محیطی اشاره کرده که هر کدام در مرکز یکی از اضلاع شمال، شرق، جنوب، و غرب بوده است^{۱۱}. آذرنوش نیز با رویکردی همسان، تشابه ساختار کالبدی مجموعه با شهرهای یونانی- باختری چون «تاکسیلا»، «دلورزین تپه»، «بگرام»، «آی خانم» و «دورا اروپوس» را مبنا قرار داده و ساختار شطرنجی شبکه معابر، استفاده از مواضع طبیعی و توپوگرافیک، از جمله رودخانه و تپه- صخره‌ها و پیروی از الگویی واحد در طراحی شهر با نام «هیپودامین»، زمان ساخت شهر بم را با احتمال به دوره سلوکیان نسبت داده است، وی به تشابه نسبی طرح شطرنجی شهر با شهر ساسانی بیشاپور نیز اشاره کرده و در عین حال اندام مکعبی برج‌های باروی محیطی مجموعه ارگ بم را وجه افتراق دو شهر دانسته و بر همسانی بیشتر ارگ با شهرهای هلنیستی تأکید بیشتری داشته است^{۱۲}.

سال‌یابی کاه‌دانه خشت‌های حاکم‌نشین نیز تعلق لایه‌ای از باروی آن را به سده هشتم پیش از میلاد به اثبات می‌رساند و نتایج مطالعات آزمایشگاهی و سن‌سنجی نمونه‌ها نشان داد که دوره اول شکل‌گیری باروی شارستان (عامه‌نشین ارگ بم) به اواخر دوره سلوکی یا اوایل دوره اشکانی بازمی‌گردد و آخرین لایه الحاقی آن به سده هفتم میلادی تعلق دارد^{۱۳}. گروه کراتر در مطالعات معماری دروازه دوم به نتایج قابل توجهی دست یافته و سیر تحول این دروازه را طی چهار مرحله بیان کرده است که در هر مرحله، با افزودن ساختاری، تغییراتی در باروی مجاور آن صورت گرفته و این تغییرات در مرحله چهارم به گشودن دروازه منتهی شده است. در این مطالعات ساختار ثانویه دروازه، با توجه به عناصر معماری و تزئینی باروی کنار آن، به

۹. نک: شهریار عدل، «قنات‌های بم از منظر باستان‌شناسی»؛ همو، «بررسی‌های باستان‌شناسی در بم».
۱۰. نک: مسعود آذرنوش، «ارگ بم و مقایسه آن با شهرهای یونانی- باختری».

۱۱. شهریار عدل و افشین ابراهیمی و اسدالله جودکی عزیزی و شهرام زارع و محمدتقی عطایی و لیلا فاضل، «پایه‌گذاری روش علمی برای تاریخ‌گذاری مطلق خشت و چینه».
۱۲. نک:

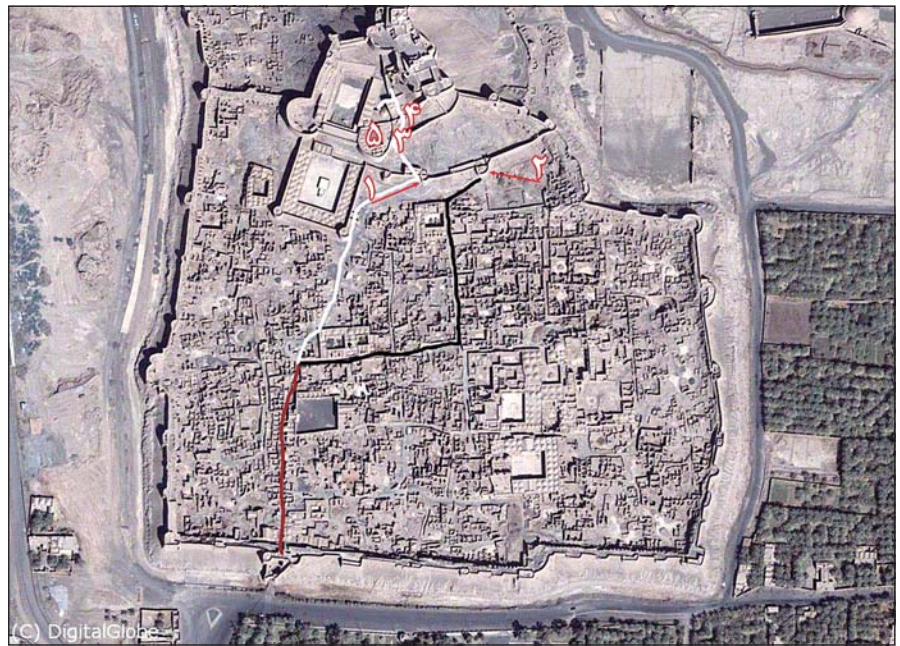
CRATerre, "Preliminary Studies on the Second Gate".

۱۳. واژه‌ای است که به میدان و فضای باز و گاه سراها در ساختار شهرهای ایرانی اطلاق شده است. نمونه‌هایی از آن هنوز هم در محور تاریخی شهر یزد هست و با همین نام خوانده می‌شود، لرد کیوان، لرد قبان، و لرد باجوردی از آن جمله است.

سطحی شیبدار ساخته شده که ورودی را در میانه جبهه شمالی به شارستان وصل می‌کند. در این قسمت و در سامان‌دهی

مجموعه، پیش از سال ۱۳۸۲، با به کار گرفتن قلوه‌سنگ و ملات سیمان، لایه‌ای به آنچه از قبل بوده افزوده شده است. اگرچه لایه اصیل در اثر الحاقات جدید پوشیده شده است، در تصاویر دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ مجموعه ساختار اصیل این بخش را با شرح پیش‌تر گفته‌شده می‌توان دید (ت ۲).

ساختر ورودی شامل یک برج در جبهه شرقی، درگاهی به بلندای ۴/۶۵ متر و پهنای ۳/۲۰ متر و حصار در جبهه غربی است که در فاصله ۱۸ متری به یکی از برج‌های حصار دوم (حاکم‌نشین) وصل می‌شود. این ورودی تنها با یک برج پشتیبانی می‌شود و از این منظر با ساختار یک دروازه تاریخی متفاوت است. شکل عمومی و متعارف ورودی در قلعه‌ها و حصار محیطی شهرها و حتی کاروان‌سراها درگاهی با دو برج طرفین است. اگرچه در حصار غربی ورودی حاکم‌نشین نیز برج دیگری دیده می‌شود، به دلیل فاصله نسبتاً زیاد هرگز نمی‌توان آن را به ورودی نسبت داد. در حصار غربی و با فاصله کمی از ورودی آثاری از الحاقات و تغییراتی در عناصر تزئینی و کاربردی دیده می‌شود که به خوبی می‌توان وضعیت اولیه و تغییرات آن را دریافت. گروه کراتر با نشان دادن جزئیات این تغییرات در چند برگ نقشه، وضعیت اولیه و کنونی آن را به خوبی تشریح کرده‌اند (ت ۳). تزئینات «رج‌چین» خشتی در نقش چلیپا، کنگره‌هایی که فواصل آن‌ها پر شده (ت ۴) و دیواری که روی آن‌ها ساخته شده از مهم‌ترین این تغییرات است. بخش‌های اصیل بارو در این قسمت از خشت‌هایی با اندازه ۸×۳۰×۳۰ سانتی‌متر ساخته شده است. خشت‌هایی که در ساخت بخش الحاقی استفاده شده اندازه‌های متفاوتی دارد، ۸×۲۸×۲۸ سانتی‌متر و ۵×۲۵×۲۵ سانتی‌متر اندازه‌های متعارف است. این دو اندازه خشت در کنار یا بر روی هم قرار گرفته است. اندازه متفاوت، برخلاف سطوح پایینی بارو که انتظام متعارفی در اندازه و چگونگی اجرا دارد، به روشنی گویای ساختار الحاقی این بخش است. همان‌طور که در تصاویر نیز دیده می‌شود، همه این تغییرات ثانویه است و



هم در ارتفاعی مناسب و مشرف به محیط، دفاع از ورودی را در مواقع خاص آسان‌تر کرده است. از سویی دیگر، اتاق‌های چندگانه آن امکان اسکان سرباز و محافظ بیشتری را فراهم کرده است. درگاه دو اتاق به طور مستقیم به دالان ورودی گشوده شده است، کنترل ورود و خروج به حاکم‌نشین، که بی‌تردید ملاحظات امنیتی ویژه‌ای دارد، مهم‌ترین کارکرد این اتاق‌ها است. پیش از تخریب، پلکانی خشتی در جبهه داخلی دسترسی به فضاهای اشکوب بالا را تأمین کرده و دسترسی به بالای برج ورودی نیز با یک ردیف پله فراهم بوده است.

همانند همه برج و باروهای کهن روزن‌هایی در دیواره حصار و برج این ورودی دیده می‌شود، تعدادی اندازه کوچکی دارند و در ادبیات معماری به «مزغل» معروفند. این عناصر کارکرد تدافعی و دیدبانی دارد و در مواقع محاصره از طریق آن‌ها مدافعین «سبک‌اسلحه» به دشمن تیراندازی کرده‌اند. روزن‌های بزرگ برج و بارو در سده‌های متاخر تعبیه شده است. استفاده از آن‌ها به دو منظور بوده است، یکی نوردهی و دیگری

به منظور افزایش بلندای حصار و افزودن برج‌نیه‌های تدافعی صورت گرفته است.

غیر از افزودن برج‌نیه‌های تدافعی، بر ارتفاع بارو در این قسمت افزوده شده تا بتوان، در کنار ورودی، تأسیساتی ساخت که از آن طریق نگاهبانی و نگهداری دروازه به رسم عموم شهرها و قلعه‌ها آسان‌تر صورت گیرد. به این دلیل در گام اول فواصل کنگره‌های لبه حصار با خشت پر شده و در اقدام بعدی نمای تزئینی حصار حذف و با اندود مجددی سطح آن پوشانده شده است تا بافت و نمایی همسان با ورودی بیابد. وجود تنها یک برج در کنار ورودی و همچنین تغییراتی که در حصار صورت گرفته نشان می‌دهد که دروازه به این قسمت منتقل شده و اصالت آن با دوره اول بارو هم‌زمان نیست. چون موقعیت جدید دروازه در اختلاف سطح قابل توجهی نسبت به بستر شارستان قرار گرفته، سازندگان را بر آن داشته تا با ایجاد سطحی شیب‌دار این تفاوت سطح را به حداقل برسانند و مشکل را به این صورت مرتفع کنند، اما پیش از ایجاد این ورودی تلاش بی‌سرانجامی شده که ابتدا دروازه را در مرکز باروی میان دو برج باز کنند، این عمل پس از ایجاد حفره‌ای به ارتفاع بیش از ۳ متر و پهنای ۱ متر، به دلایلی که هم‌اینک بر ما پوشیده است، ناتمام مانده و پس از انصراف، با مصالح گوناگونی دوباره پر شده است (ت ۴). این ساختار، پس از زلزله با فروریختن لایه اندود کاهگل و مصالحی که آن را پر کرده بود، دوباره آشکار شد. در طرفین ورودی کنونی اتاق‌هایی ساخته شده که اندازه خشت آن‌ها ۲۵×۲۵×۵ سانتی‌متر است و هرکدام از این اتاق‌ها در زمان حیات کارکرد ویژه‌ای داشته است. غیر از مکانی مناسب برای اسکان سربازان و محافظان ورودی (ت ۵ و ۶)، زاغه‌ای برای انبار سلاح نیز در آن تدارک دیده شده است. این فضاها در دو اشکوب ساخته شده که هم در فن ساختمان به ایستایی ورودی در مقابل نیروهای رانشی کمک می‌کند (درواقع برای ضعیف نبودن، برج دیگر را به این طریق مرتفع ساخته‌اند) و

ت ۱ (صفحه روبه‌رو، بالا و پایین). موقعیت دروازه‌ها در مجموعه و مسیرهای ۱) جدید، ۲) کهن دسترسی به ورودی دوم، ۳) ورودی سوم، ۴) دروازه چهارم، و ۵) خانه فرمانده قشون، مأخذ: بایگانی پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن. ت ۲. نمایی قدیمی از دروازه دوم پیش از مرمت‌های سازمان میراث فرهنگی، مأخذ: همان.



خاصیت تدافعی، نور داخل فضای بسته برج و اتاق‌هایی که در پشت باروها ساخته شده از این راه تأمین شده است. این

مورد در حاکم‌نشین ارگ بم به‌روشنی دیده می‌شود. در برج‌ها و سمت رو به بیرون باروی بنای موسوم به «سربازخانه» نیز این روزن‌ها دیده می‌شود. کارکرد دیگر این روزن‌ها تدافعی است. در یک تابلوی دوره افشاری که نقاش جنگ نادر را با افغان‌ها از منظر یک شه‌ربندان به تصویر کشیده است، مهاجمین و مدافعین با سلاح سنگینی همچون «توپ» در نبردند (ت ۷). موقعیت استقرار توپ مدافعین در روزن‌هایی است که، در اندازه و چگونگی ساخت، کمترین تفاوتی با نمونه‌های ارگ بم ندارد. بنا بر این احتمالاً روزن‌های بزرگ برج ورودی محل استقرار سربازان «سنگین‌اسلحه» بوده است. اگرچه با اختراع توپ، عملاً برج و باروهای حصین شهرها، تا حد زیادی کارکرد دفاعی خود را از دست دادند، در تابلوی نقاشی و شرح تصویری آن بهترین عامل دفاع از شهر پیش‌بینی روزن‌هایی بزرگ در برج و بارو است که بتوان به‌آسانی یک توپ را در آن مستقر کرد. ارگ بم در بخش حاکم‌نشین و به‌طور ویژه دروازه مورد مطالعه نیز از این موضوع به‌خوبی به‌رمند شده است.

۲. دروازه اولیه

ویژگی‌های معماری ورودی اول نشان می‌دهد که ساختار اصیلی ندارد و شواهد متقنی که پیش‌تر شرح شد بر ثانویه بودن آن دلالت دارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که ورودی اولیه کجا است؟

حصار دوم یا باروی حاکم‌نشین از دروازه کنونی به طول ۵۰ متر به برجی بزرگ وصل می‌شود (ت ۱ و ۸) که با توجه به اندازه بزرگ و فضاهای وابسته می‌توان آن را یک «برج تأسیساتی» دانست. ویژگی این نوع برج‌ها در مجموعه ارگ بم برخوردار از اتاق‌های چندگانه و بزرگی است که به‌آسانی در تصاویر هوایی از دیگر برج‌ها قابل تشخیص است. وقوع زلزله موقعیتی فراهم ساخت تا کالبد و اجزای این برج نیز به‌خوبی بررسی و مستندسازی شود. نمای کلی آن حتی در تصاویر پیش

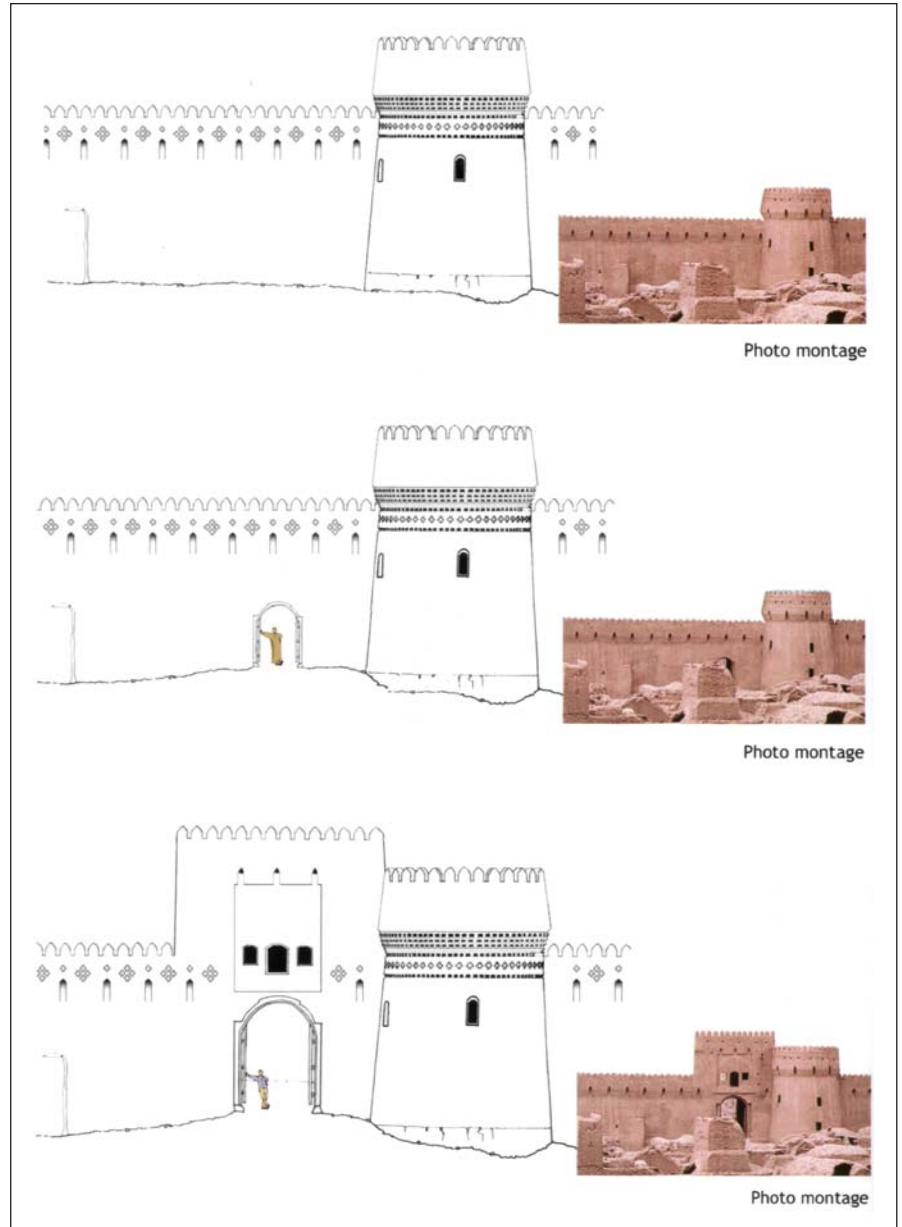
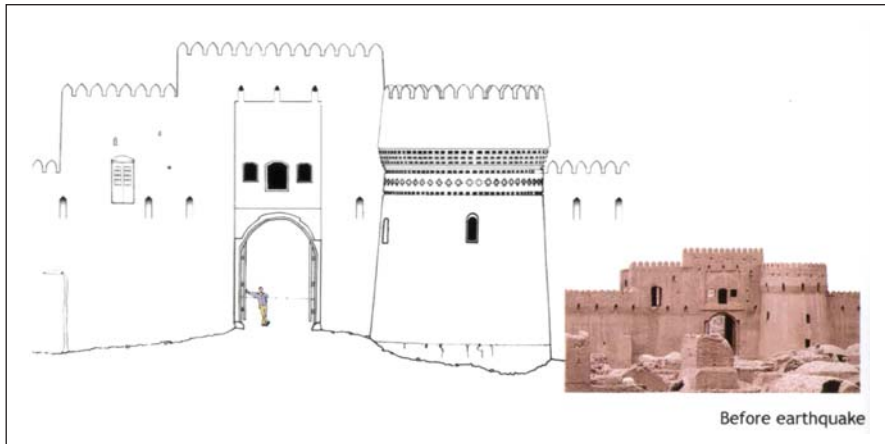


Photo montage

Photo montage

Photo montage

دارد که از راهرویی در مرکز پشتیبانی می‌کند (ت ۱۱). مصالح این نیم‌برج‌ها خشت‌هایی به اندازه $۸ \times ۳۰ \times ۳۰$ سانتی‌متر است. دانه‌بندی درشت و فقدان تراکم مناسب ویژگی عمومی خشت‌های این دو نیم‌برج است. پهنای اولیه دالان $۲/۴۰$ متر بوده که با الحاق پوسته‌ای در دوره‌های بعد (از هر طرف ۲۴ سانتی‌متر) از عرض آن کاسته شده است. خشت‌های راهروی اولیه از نظر تراکم نسبی کیفیت مطلوبی ندارد و اندازه بزرگ آن‌ها ($۸ \times ۳۰ \times ۳۰$ سانتی‌متر) نشان می‌دهد که قدمتی قابل توجه دارد. حصار محیطی حاکم‌نشین در این بخش تا پس از دروازه کنونی از خشت‌هایی، با اندازه و تراکم همسانی با نمونه راهرو و



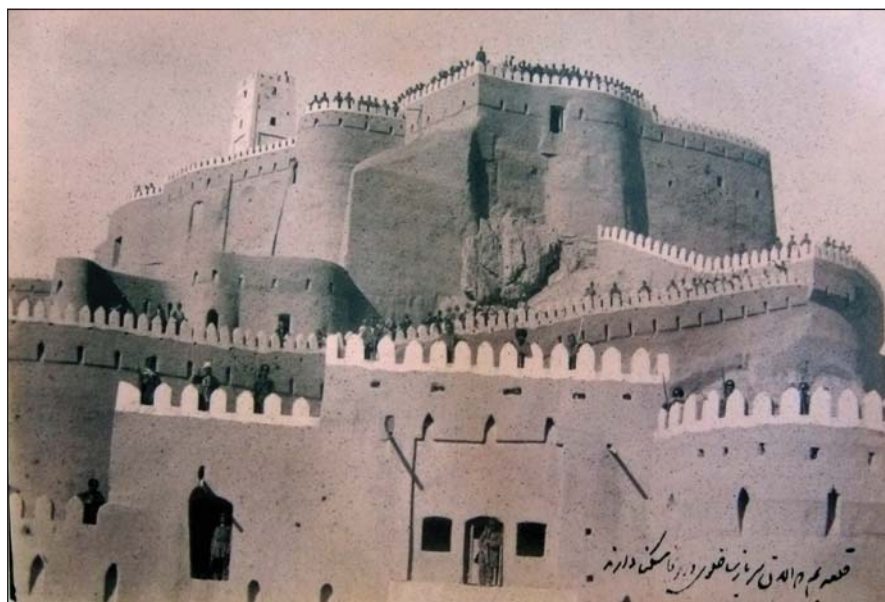
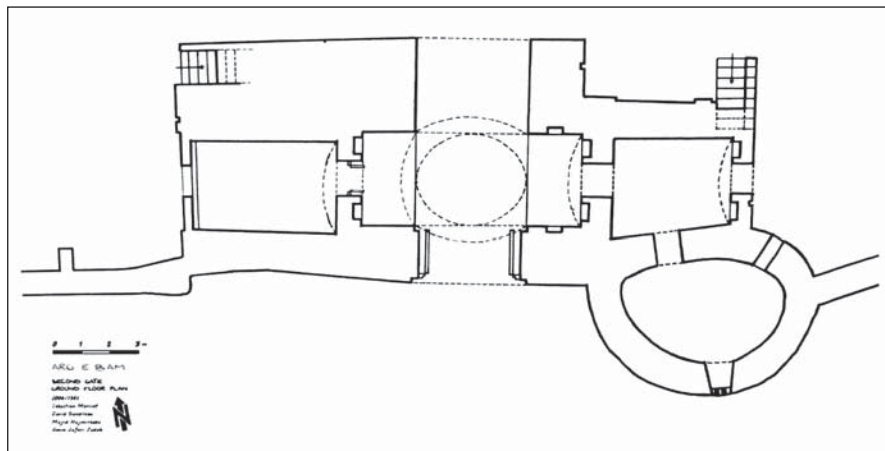
ت ۳ (صفحه روبه‌رو، و این صفحه، بالا). مراحل ایجاد دروازه دوم و افزوده‌های به این قسمت از بارو، مأخذ: CRATerre, "Preliminary studies on the Second Gate" ت ۴ (پایین). آثار کنگره‌های پرشده و تزیینات رج‌چین خشتی که با ایجاد دروازه با لایه‌ای از کاه‌گل پوشیده شده بود، مأخذ: نگارندگان.



از زلزله نیز دو پوسته را در آن نشان می‌دهد. پوسته بیرونی، که بزرگ‌تر نیز هست، محیط بر لایه درونی است و آشکارا ساختار الحاقی آن را نشان می‌دهد (ت ۸). فضای اصلی درونی این برج را دو نیم‌برج تشکیل می‌دهد که در طرفین شرقی و غربی فضایی شبیه به دالان یا راهرو استقرار یافته‌اند (ت ۹). در حد فاصل نیم‌برج‌ها و پوسته بیرونی اتاقک‌ها پوسته‌هایی ساخته شده که بزرگ‌ترین آن‌ها ظرفیتی بیش از استقرار دو نفر را ندارد. از دیگر تأسیسات درونی برج تعدادی انبارک بزرگ و کوچک است. برج بدنه‌ای استوانه‌ای داشته که در سطوح فوقانی با کلاهکی که چند ردیف تیرکش یا مزگل در آن تعبیه شده به لبه کنگره‌دار فوقانی وصل شده است، نمایی ساده دارد و همانند برج دروازه کنونی هیچ‌گونه تزیینی، غیر از ساختار کاربردی کنگره‌ها، ندارد. موقعیت این برج تنها نقطه‌ای است که دامنه بستر صخره‌ای تا درون شارستان امتداد یافته است و اگرچه در اختلاف سطح بارزی نسبت به تراز شارستان واقع شده، دامنه صخره با شبیه مناسب این نابرابری را مرتفع ساخته است، به گونه‌ای که می‌توان از سطح شارستان، بدون نیاز به هرگونه ساختاری مصنوعی، به پای برج رسید (ت ۱۰). با توجه به اصطبل اختصاصی حاکم در طبقه پایین عمارت «چهارفصل» (تراس بالایی) و آمدوشد سواره حاکم، به شیب‌راهه‌ای نیاز است که بتوان از آن طریق بستر پست شارستان را به ارگ وصل کرد. به همین دلیل بخش ادامه‌یافته تپه - صخره حاکم‌نشین مناسب‌ترین گزینه برای این منظور به‌شمار می‌رفته است. این ساختار طبیعی، اگرچه در نگاه اول مجموعه حاکم‌نشین را آسیب‌پذیر نشان می‌دهد، وجود باروهای سوم و چهارم که این مجموعه را محصور ساخته‌اند، این ضعف را مرتفع می‌کند. در دو سمت برج از درون حاکم‌نشین اتاق‌هایی در نظر گرفته شده که تعدادی از آن با این برج ارتباط فضایی دارد (ت ۹). اگر پوسته‌ها و لایه‌های معماری این برج از هم جدا شود، ساختار اولیه آن فضایی را شکل می‌دهد که با کمترین اختلاف استاندارد یک ورودی را دارد، دو نیم‌برج

ت ۵ (راست، بالا). پلان دروازه دوم و فضاهای مجاور آن، دروازه کنونی، مأخذ: CRATerre, "Preliminary studies on the Second Gate".

برج‌های این بخش، ساخته شده است. طاق آهنگ بازسازی شده این راهرو از خشت‌هایی با اندازه‌های نابرابر تشکیل شده است. تعدادی از خشت‌ها اندازه ۲۸×۲۸×۸ سانتی‌متر و برخی دیگر ۲۵×۲۵×۵ سانتی‌متر دارند. در بین مصالح طاق وجود آجر نیز قابل توجه است. این موضوع بدون کمترین شبهه‌ای بر ثانویه



بودن طاق، که پیشتر ساختار الحاقی آن به اثبات رسید، دلالت دارد. در دیواره اصلی راهرو از هر دو سمت آثار «رَف»‌هایی قابل شناسایی است. اگرچه پوسته ثانویه بخش زیادی از آن را تخریب کرده، به‌روشنی می‌توان طاق پلکانی آن را از دیگر سازه‌ها تشخیص داد. در بازشناسی شکل و اندازه این رف‌ها بهترین شاهد نمونه سالم‌مانده اتاق‌های مجاور است که با خشت و اجرایی همسان چند عدد از آن‌ها به طور دور از انتظاری سالم مانده است. ارتفاع عمومی آن‌ها ۸۴ سانتی‌متر و عرض آن‌ها ۹۶ سانتی‌متر است. عمق ۲۶ سانتی‌متر (چهار گره^{۱۴}) و پایین‌ترین سطح آن‌ها در ترازوی برابر در ارتفاع ۱۰۶ سانتی‌متر (یک گزه^{۱۵}) کف فضاها واقع شده است. کف این راهرو با حداقل اختلاف بر روی سطحی قرار گرفته که حاکم‌نشین بر روی آن ساخته شده است. ادامه این بستر صخره‌ای با شیبی مناسب در



موقعیت اولیه دروازه دوم، در انتهای گذر اصلی، که درواقع تنها گذر «ارابه‌رو» راستای شمالی-جنوبی شارستان نیز محسوب می‌شده، بوده است. محور و مسیر عبور به این ترتیب بوده که از دروازه اول آغاز می‌شود، سپس در مرکز و در کنار خانه سیستانی به سمت شرق تغییر مسیر می‌داد و از نزدیکی مسجد جامع دوباره به سمت شمال متمایل می‌گشت، پس از گذشتن از کنار خانه «یهودیان»، گذر در منتهی الیه جبهه شمالی شارستان به موقعیت دروازه اولیه منتهی می‌شد. ساختار نخستین دروازه از یک سمت، دسترسی به مجموعه حاکم‌نشین را فراهم می‌کرد و از سویی دیگر، شارستان را به دروازه موسوم به «کت کرم» وصل می‌کرد. از این جنبه امکانی فراهم می‌شد تا ساختارهای معماری شمال شرقی ارگ بم، که پیش‌تر عدل به آن‌ها اشاره

جنوب با تراز ارتفاعی بستر شارستان برابر شده است. به این ترتیب، در صورت درستی فرضیه، حاکم و ملازمان وی برخلاف دروازه جدید بدون نیاز به ساخت سطحی شیبدار، از شارستان به آسانی وارد حاکم‌نشین شده‌اند. احتمالاً نگرهبانی و نگهداری دروازه وظیفه ساکنین اتاق‌های طرفین جبهه داخلی دروازه بوده است. ارتباط این اتاق‌ها، پس از مسدود شدن دروازه، با این قسمت به حداقل رسیده است. تعداد قابل توجهی از این اتاق‌ها در کنار بارو در حد فاصل این دروازه تا ورودی جدید استقرار یافته است. محور طولی آن‌ها عمود بر بدنه بارو است، به همین علت، اگرچه کاربری فضایی آن‌ها با بسته شدن این دروازه به حداقل رسید، در ایستایی حصار محیطی حاکم‌نشین کارکرد خود را به خوبی حفظ کرد.

۱۴. هر گره ۶/۶۶ سانتی‌متر است.
 ۱۵. هر گز ۱۰۶ سانتی‌متر است.
 ۱۶. شه‌پیار عدل، «فناات‌های بم از منظر باستان‌شناسی»، ص ۸۵

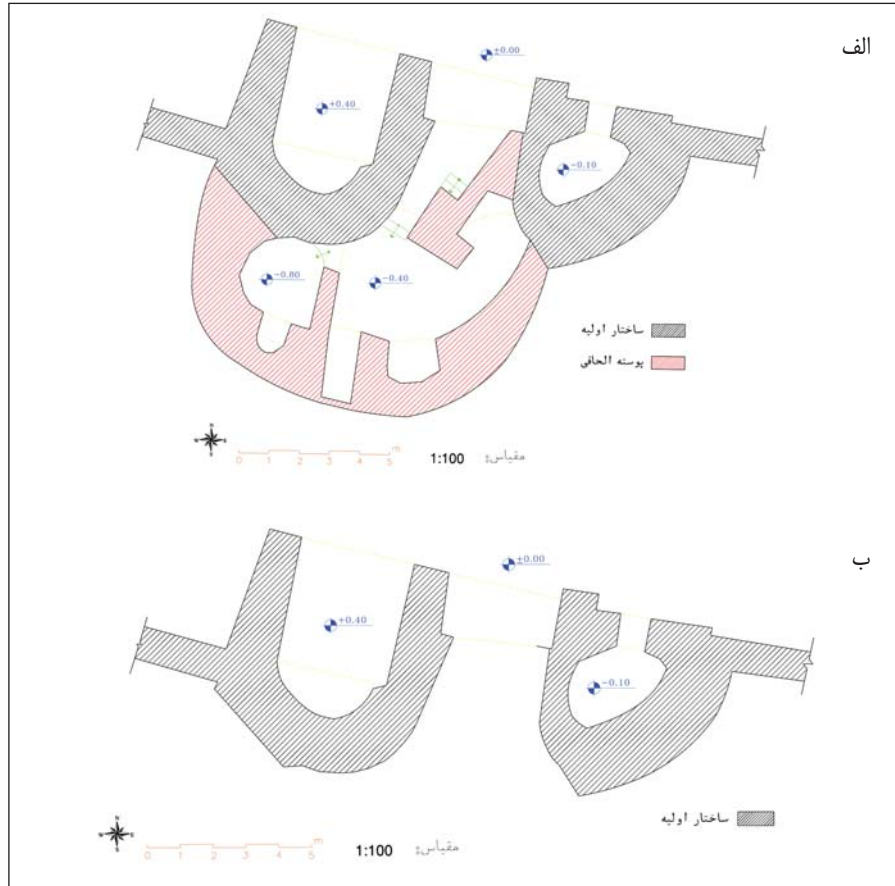
ت ۶ (صفحه روبه‌رو، راست، پایین). تصویری از دروازه دوم مربوط به اواخر دوره قاجاریه، استقرار تعدادی از سربازان در فضاهای دروازه دوم به روشی دیده می‌شود، مأخذ: بهرامی، تاریخ جامع بم و ارگ بم.
 ت ۷ (صفحه روبه‌رو، پایین، چپ). نگاره‌ای (کتاب‌آرایی) از یک شه‌پندان در زمان نادرشاه افشار، به روشنی موقعیت استقرار توپ‌های مدافعین در تیرکش‌های بزرگ دیده می‌شود، مأخذ: پاکباز، *تفاسی ایران از دیرباز تا امروز*.
 ت ۸ (نمایی از موقعیت ۱) دروازه کنونی و ۲) دروازه کهن حصار دوم، تصویر مربوط به پیش از زلزله سال ۱۳۸۲، مأخذ: بایگانی پایگاه میراث جهانی بم.



کرده^۶، پشتیبانی شود. از طرف دیگر، دسترسی عمومی به بنای موسوم به «قلعه دختر» در روستای پشت‌رود (فاصله ۱۳۰۰ متر از ارگ) را در دوره‌های بعد، به‌ویژه ساسانی، به‌آسانی فراهم کرده است. نام این قلعه، که به تعداد قابل توجهی از آثار معماری کهن و به‌طور معمول مربوط به دوره ساسانی اطلاق شده است، باعث شده که باستانی پاریزی این بنا و گروهی از پژوهشگران دیگر نمونه‌های آن را، که در جاهای دیگر شناسایی شده، در ارتباط با الله‌آب در ایران باستان یعنی «آناهیتا» تفسیر کنند^۷. آنچه که فرض این دسته از پژوهشگران را به واقعیت نزدیک می‌کند وجود سازه‌های آبی مهم و قابل توجهی مرتبط با این آثار



ت ۹ (بالا، و راست، میان). الف) نمایی از دروازه اولیه، ۱ و ۲ بقایای دو برج در طرفین راهرو، دید از بیرون، ب) نمایی از فضاهای کناری دروازه، دید از داخل، مأخذ: نگارندگان. ت ۱۰ (راست، پایین). ادامه بستر صخره‌ای حاکم‌نشین در شارستان، دروازه کهن، مأخذ: نگارندگان.



به اواخر دوره سلوکی یا اوایل اشکانی نسبت می‌دهند^{۱۱}، فرضیه پژوهشگری چون عدل را به واقعیت نزدیک می‌کند.

است^{۱۸}. در نمونه بم فضایی چلیپای هست که اسپر بال شرقی آن با سه نقش چلیپایی کشیده در مرکز و دو پیکانی کشیده در طرفین تزیین شده و به نظر می‌رسد که نوعی القای مذهبی منظور طراح بوده است و از این نظر جای بررسی بیشتری دارد. این شواهد نشان از اهمیت مذهبی این قلعه دارد و تنها راهی که مسیر دسترسی آن را به مجموعه ارگ بم کوتاه می‌کند از دروازه کت کرم شروع می‌شود. از سویی دیگر، نزدیک‌ترین و آسان‌ترین موقعیتی که شارستان را به دروازه کت کرم وصل می‌کند، دروازه اولیه حاکم‌نشین است (ت ۱۲).

۳. ساختار اولیه باروی محیطی و موقعیت دروازه دوم

پیش‌تر گفته شد که در تحقیقات عدل به وجود چهار دروازه در باروی شارستان اشاره شده است. گوبه نیز وجود چهار دروازه در باروی محیطی محرز دانسته و بر همسانی ساختار شارستان با برخی از شهرهای آسیای میانه تأکید کرده است^{۱۹}، اما با موقعیتی که، به‌ویژه برای دو مورد از دروازه‌ها در جبهه جنوبی نشان داده، غیر از برآورد موقعیت احتمالی دروازه غربی در موقعیت برج شماره ۴۶، نمی‌توان رأی او را برابر با آن چیزی قلمداد کرد که در فرضیه عدل مطرح است. زیرا عدل موقعیت چهار دروازه را در جبهه‌های چهارگانه دانسته است، دروازه جنوبی در موقعیت برج شماره ۷، دروازه ورودی اول و کنونی را ثانویه دانسته است، و ساختاری اصیل برای آن قائل نیست. ورودی غربی با ساختار برج شماره ۴۶ یا معروف به «شترگلو» برابر بوده است^{۲۰} (ت ۱۲). عدل اگرچه به موقعیت دقیق دروازه جبهه‌های شرقی و شمالی اشاره نکرده، بارها در اظهارات شفاهی خود بر وجود آن‌ها تأکید کرده است. بنا بر این با توجه به همسانی ساختار کلی مجموعه ارگ بم با شهرهای یونانی-باختری یا سلوکی، که پژوهشگرانی چون گوبه، عدل، و آذرنوش بر آن تأکید کرده‌اند و از آن مهم‌تر گاه‌نگاری دقیق لایه‌های باروی محیطی، که کهن‌ترین آن را



۱۷. محمدابراهیم باستانی پاریزی، نوح هزار طوفان، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.
 ۱۸. وجود این قلعه‌ها مختص جغرافیای کنونی ایران نیست، بلکه در کشورهای عراق، ترکمنستان، آذربایجان، هند، ترکیه، و افغانستان نیز نمونه‌هایی از قلعه‌دختر گزارش شده است (نک: فاطمه مدرسی و تسرین سیفی، «قلعه‌دختر». این آثار به طور معمول در ارتباط با یک منبع مهم آب ←

ت ۱۱ (صفحه روبه‌رو، پایین، چپ). الف) پلان دروازه دوم (اولیه) با پوسته‌ای که آن را مسدود کرده است، ب) پلان دروازه دوم با ساختار اولیه آن، مأخذ: بایگانی پایگاه میراث جهانی بم.

ت ۱۲. موقعیت دروازه اولیه: ۱) نسبت به شارستان، دروازه کت کرم، ۲) قلعه‌دختر، ۳) در شمال ارگ بم، و A, B موقعیت پیشنهادی عدل برای دروازه‌های شارستان در دوره اول شکل‌گیری، مأخذ: بایگانی میراث جهانی بم؛ عدل، «بررسی‌های باستان‌شناسی در بم».

ساختار ثانویه و کنونی دروازه دوم را، با توجه به آنچه پیشتر با اسناد معماری به اثبات رسید، هرگز نمی‌توان دروازه‌ای دانست که در دوره اولیه شکل‌گیری باروی محیطی در آن ساخته شده است و آن را یکی از دروازه‌های چهارگانه شهر در دوره شکل‌گیری برشمرد. اما با توجه به خشت‌هایی که در ساختار اولیه موقعیت پیشنهادی ورودی اصیل حاکم‌نشین به کار رفته و به طور معمول اندازه آن در برخی از لایه‌های پیش از اسلامی باروی محیطی رایج بوده، به نظر می‌رسد که این ورودی یکی از دروازه‌های چهارگانه‌ای است که در دوره اول شکل‌گیری باروی محیطی در جهت شمالی آن ایجاد شد. اگرچه به نظر می‌رسد که زمان اولیه ساخت دروازه به دوره سلوکی یا اوایل دوره اشکانی می‌رسد، با توجه به اهمیت آن در دوره ساسانی، دیواره راهرو و برج‌ها با خشت‌های کوچکتری نسبت به مصالح دوره‌های قبل مرمت و بازسازی شده است. بنا بر این دروازه اولیه، غیر از پشتیبانی از تأسیسات شهر بم در ربض شمال شرقی، امکانی فراهم کرده است که با کاستن از طول مسیر در دوره ساسانی، دسترسی عمومی به قلعه‌دختر و احتمالاً اجرای مراسم‌های مذهبی به آسانی میسر شود.

۴. جابه‌جایی دروازه

اندازه خشت‌های دوره اولیه که تعدادی از آن در دیواره دو سمت راهرو باقی مانده $۸ \times ۳۰ \times ۳۰$ سانتی‌متر است. نمونه‌های پوسته الحاقی $۵ \times ۲۵ \times ۲۵$ سانتی‌متر است. همان‌طور که می‌بینیم اختلاف قابل توجهی در اندازه خشت‌ها دیده می‌شود. اندازه خشت‌های پوسته الحاقی با الحاقات باروی غربی ورودی ثانویه (کنونی) و مصالح اتاق‌های الحاقی دو سمت آن برابر است. این خشت‌ها از نظر تراکم نسبی و مواد افزوده نیز بافت همسانی دارد. بنا بر این تردیدی در هم‌زمانی مسدود شدن یکی و ایجاد دیگری وجود ندارد و آنچه که کراتر در تغییرات و تحولات دروازه کنونی به چند دوره و مرحله تعبیر کرده است^۲، به‌نظر

می‌رسد درست نباشد. تغییرات بارو در این قسمت و ایجاد دروازه کنونی دفعی بوده و بلافاصله پس از مسدود شدن دروازه اول این یکی گشوده شده و همه تغییرات و الحاقات آن مربوط به یک دوره است. از سویی دیگر، بدنه دیواره اولیه به طور نامتوازن و آشفته‌ای تخریب شده است. به گونه‌ای که شکستگی دیواره خط موربی را نشان می‌دهد که پایین‌ترین سطح آن با رج اول خشت لایه الحاقی برابر است. این موضوع نشان می‌دهد که لایه الحاقی در شرایط معمولی افزوده نشده، بلکه بر اثر تخریب لایه پیشین و با اضطرار و تعجیل الحاق شده است. بازسازی‌کنندگان هرگز مجال آن را نیافته‌اند که سطحی هموار در دیواره اولیه ایجاد کنند سپس پوسته جدید را به آن بیافزایند. این بازسازی غیراصولی باعث شده که بخش زیادی از آنچه که مرمت شده بود با زلزله بم فرو بریزد و از بدنه اصلی به‌آسانی جدا شود. این نوع بازسازی اگرچه در استحکام بنا هرگز مؤثر واقع نشده، هم‌اینک به تشخیص لایه‌ها از هم کمک زیادی می‌کند. خشت‌های استفاده‌شده در پوسته افزوده به طور نسبی از مصالح مورد استفاده دوره صفویه تا پایان قاجار است. در بناهای خشتی متعلق به این بازه زمانی مصالح اندازه تقریباً یکسانی دارد. در مجموعه ارگ بم نیز این سنت رعایت شده است. به گونه‌ای که عموم بناهای موجود در عرصه شارستان، که گوبه آن‌ها (ساختار فعلی) را ساخت‌وسازهایی بر روی لایه‌های سده‌های میانه دانسته^۳، به‌ویژه خانه‌های معروف به «سیستانی» و «یهودی‌ها»، خشت‌هایی با این اندازه دارد. اما مهم‌تر از مصالح، در خلال پوسته الحاقی قطعات سفالی دیده می‌شود که مواردی از آن به تاریخ‌گذاری لایه کمک می‌کند.

در نقطه‌ای از دیوار قطعه سفالی شناسایی شد که تکنیک ساخت آن مهم‌تر از نمونه‌های بدون لعاب و ساده‌ای است که در کنار این قطعه و دیگر بخش‌های دیواره الحاقی دیده می‌شود. این سفالینه قطعه‌ای از یک ظرف سفالی با تکنیک ساخت «آبی و سفید» است (ت ۱۳). هرچند پیشینه ساخت این گونه

→ ساخته شده‌اند به همین دلیل پژوهشگران آن‌ها را به الله‌آب در ایران باستان یعنی آن‌ها نسبت داده‌اند (برای آگاهی بیشتر نک: محمدابراهیم باستانی پاریزی، همان؛ همو، *خاتون هفت‌قلعه*، ص ۲۰۳؛ مری بویس، «بی‌بی شهربانو و بانو پارس»، ص ۱۳۴؛ عباس زمانی، «قلعه‌دختر مزار بجستان گناباد»، ص ۲۵۳؛ همایون صنعتی، «دومین قلعه‌دختر کرمان»، ص ۶۸۴؛ فاطمه مدرسی و نسرتین سیفی، همان، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ ماکسیم سیرو، «قلعه‌دختر قم»، ص ۱۱۶؛ همو، «قلعه‌دختر شهرستانک»، ص ۱۲۸-۱۳۰؛ پرویز رجبی، «آبانگان»، ص ۳۵۸ و ۳۵۹).
 ۱۹. هاینس گوبه، همان، ص ۳۷۱.
 ۲۰. شهریار عدل، «بررسی‌های باستان‌شناسی در بم»؛ همو، «فناهای بم از منظر باستان‌شناسی»، ص ۸۱-۸۳.
 ۲۱. نک: شهریار عدل، و افشین ابراهیمی و اسدالله جودکی عزیزی و شهرام زارع و محمدتقی عطایی و لیلا فاضل، همان.
 22. CRATerre, *ibid*, p. 20.
 ۲۳. گوبه، همان، ص ۳۷۰.

فیروز میرزا فرمانفرما به جانشینی او بر مسند حکومت کرمان نشست.^{۲۵} آقاخان از این حکم سرپیچید و در بزم متحصن شد،



سفالی به سده‌های اولیه اسلامی بازمی‌گردد و یا ایران از جمله واردکنندگان این نوع سفال از چین بوده است، لیکن باید توجه داشت که ویژگی نمونه یافته‌شده با آنچه از این تکنیک سفالی در پیش از دوره صفوی شناسایی شده، متفاوت است. خمیره سنگ ترکیب شده با درصدی از گل رس در این قطعه رنگ سفید چرکین و بافت نامرغوبی به آن داده است. این مشخصه از یک سوی آن را از آبی سفیدهای اولیه، که خمیره‌ای از گل رس دارند، متمایز می‌کند و از طرفی دیگر، بافت و کیفیت خمیره آن را هرگز نمی‌توان در رده خمیره سفید شیرینی نمونه‌های وارداتی طبقه‌بندی کرد. این قطعه سفال با نمونه‌های بی‌شماری که از دوره صفویه در مجموعه ارگ بزم پیدا شده قابل مقایسه است و بر همین اساس، تردیدی نمی‌توان داشت که تاریخ ساخت آن باید متعلق به دوره صفویه باشد. وجود این قطعه سفال سند بسیار مهمی است که نشان می‌دهد مسدود شدن این ورودی به دوره صفوی و بعد از آن مربوط می‌شود. حال باید دید که چه واقعه تاریخی می‌توانسته تخریب باروی ارگ بزم را در پی داشته باشد و با تعمیر این دروازه که به‌واقع جابه‌جایی آن را نیز در پی داشته، سفال دوره صفویه در خلال مواد و مصالح به این موقعیت منتقل شده باشد.

با بررسی تاریخ سیاسی منطقه از دوره صفویه به بعد تا اواسط دوره قاجار، شهربندان مهم و مؤثری، که به تخریب برج و باروی ارگ منجر شود، گزارش نشده است. در اواسط دوره قاجار تحصن دو مرتبه‌ای آقاخان محلاتی وقایعی در پی داشت که به نظر می‌رسد در تفسیر علت تاریخی جابه‌جایی دروازه‌ها قابل اعتنا است. وی داماد فتح‌علی‌شاه بود و با استفاده از این نفوذ سیاسی کیاست و قدرتی که داشت بعدها یکی از مهم‌ترین عوامل انتخاب محمدشاه، پسر عباس میرزا بر جای فتح‌علی‌شاه شد. محمدشاه نیز به پاس خدمات، وی را عامل حکومت کرمان کرد.^{۲۴} در سال ۱۲۵۰ و مقارن با سال‌های آغازین حکومت محمدشاه، بر اثر نافرمانی آقاخان وی به تهران احضار شده و

۲۴. احمدعلی‌خان وزیری، تاریخ کرمان، ص ۷۷۱.
۲۵. همان، ص ۷۷۲ و ۷۷۳.

ت ۱۳ (بالا و پایین). الف) بخش باقی‌مانده از پوسته الحاقی به دروازه دوم و موقعیت قطعه سفال آبی سفید. ب) نمایی نزدیک از قطعه سفال آبی سفید در لابه‌لای مصالح پوسته افزوده، مأخذ: نگارندگان.

۲۶. همان، ص ۷۷۳.

۲۷. همان، ص ۷۸۴-۷۸۲.

۲۸. رضاقلی‌خان هدایت، روضه الصفاى ناصرى، ص ۲۷۳.

۲۹. یحیی احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۲۷؛ رضاقلی‌خان هدایت، همان، ص ۲۷۳.

۳۰. محمدابراهیم باستانی پاریزی، فرمانفرمای عالم، ص ۳۱۵.

۳۱. در مطالعات باستان‌شناسی این قسمت که به صورت پی‌گردی فضاهای معماری به انجام رسید، دیواری خشتی، درست در جایی شناسایی شد که هم‌اینک بخشی از کف گذر است، و در کنار این دیوار بقایای چند تاپو (خمرة سفالی بزرگ که برای ذخیره غلات و حیوانات در زمین تعبیه می‌شود) پیدا شده است (چودکی عزیز، گزارش مطالعات باستان‌شناسی ارگ بم، گمانه‌زنی باستان‌شناسی محور بازار و گذرها، ص ۵۰-۵۳). این شواهد نشان می‌دهد که گذر موجود ثانویه است و به ساختار اصیل شهرسازی ارگ ارتباطی ندارد و در واقع حاصل تغییر مسیر اواسط دوره قاجاریه است. در تصاویری که در اواخر دوره قاجاریه فیروزمیرزا فرمانفرما، حاکم کرمان، در سفر دوم خود به بم از مجموعه ارگ تهیه کرده، به‌روشنی تعدادی از سواره‌نظام قشون محلی در امتداد آن در کنار اصطبل حکومتی در حال عبور دیده می‌شوند (مانی پهرامی، تاریخ جامع بم و ارگ بم، ص ۶۸۳ شکل ۱ که نشان می‌دهد کارکرد مسیر آموشد داشته است).

در این هنگام بم با لشکری مسلح به سلاح‌های سنگینی چون توپ محاصره شد و پس از تخریب باروها و رویت وخامت اوضاع، آقاخان با واسطه کردن قرآن بخشیده شد^{۲۶}. بار دیگر در سال ۱۲۵۷ هجری با جعل فرامین و احکام حکومتی و صرف هزینه گزاف لشکری قابل گرد آورد و به قصد حکومت کرمان روانه شد و آن را نیز دوباره در اختیار گرفت. پس از مدتی به داعیه استقلال حکومت کرمان برخاست^{۲۷}. حکومت مرکزی متوجه وی شد، تحصن مجدد وی این بار نیز با تخریب دوباره باروها مؤثر واقع نشد و پس از چندی بم را برای همیشه به مقصد شبه‌قاره ترک کرد. مدت شهربندان اول نزدیک به یک سال بوده و طی این مدت برج و باروی ارگ آسیب فراوانی دیده است. با پایان یافتن تحصن، عباس‌قلی‌خان جهان‌بیگلو، حاکم کرمان، در سال ۱۲۵۸ و ۱۲۵۹ هجری ارگ بم را، که تبدیل به یک ویرانه شده بود^{۲۸}، مرمت کرد^{۲۹}. با شکست آقاخان سکونت در ارگ ممنوع شده و بخش حاکم‌نشین مجموعه به پادگان نظامی تبدیل شد^{۳۰}. با تخلیه مجموعه بخشی از گذرها و دسترسی‌های کهن بدون استفاده ماند. با استقرار سربازخانه در بخش‌های حاکم‌نشین مجموعه، تلاش شد راه دسترسی را از مسیری، که فاصله زیادی از دروازه اول تا به این نقطه داشت و در واقع ضرورتی در استفاده دوباره آن احساس نمی‌شد، کوتاه کنند. با تغییر این مسیر در مجاورت خانه سیستمی که با تخریب بخشی از فضاها^{۳۱} و خالی شدن مجموعه از سکنه منجر شده بود و بدون استفاده مانده بود، راهی جدید در نظر گرفتند، این راه به طور مستقیم به گذر کنار اصطبل وصل می‌شد و پس از آن به میدان مقابل ورودی باز شد، باروی دوم کنار میدان، با یک برج پشتیبانی، امکانی را فراهم می‌ساخت تا دروازه‌ای در آن باز کنند که هم به اصطبل حکومتی، محل استقرار اسبان قشون محلی، مشرف باشد و هم فاصله نسبتاً زیاد قدیمی را از یک طرف به سربازخانه و اصطبل و از سمت دیگر به خانه فرمانده قشون و تراس بالایی حاکم‌نشین به حداقل برساند. به

این ترتیب با صرف کمترین زمان آمدورفت قشون از حاکم‌نشین و سربازخانه به بیرون فراهم شده است. شاید این سؤال مطرح شود که، چرا برای کوتاه‌تر کردن مسیر، ورودی حاکم‌نشین به جبهه شرقی اصطبل حکومتی منتقل نشد؟ پاسخ روشن است، زیرا تغییر ساختار بخشی از عرض یکی از سالن‌های اصطبل، که ضرورت داشت کارکرد کهن آن حفظ شود، به‌مراتب پرهزینه‌تر از گشودن دروازه در موقعیت کنونی است و از سویی دیگر، به‌رغم کوتاه شدن مسیر اصطبل و سربازخانه، چندان از طول مسیر حاکم‌نشین نمی‌کاست، زیرا درست در مقابل دروازه کنونی و در باروی سوم، ورودی کوچک^{۳۲} دیگری (ورودی سوم)، منحصرأ برای حاکم/فرمانده قشون باز شده که، با طی مسیر کوتاهی، به دروازه‌ای کهن (دروازه چهارم) وصل می‌شود و این دروازه، تا پیش از ایجاد حصار سوم در جبهه شرقی، ورودی تراس بالایی حاکم‌نشین بوده است. اگرچه این دروازه کهن با ایجاد حصار سوم و مجموعه سربازخانه و به‌تبع آن انتقال دروازه به سربازخانه، بدون استفاده ماند، با استقرار فرمانده ساخلو در نیمه سده سیزدهم هجری در نزدیکی این دروازه و باز شدن ورودی کوچک سوم، ضمن احیای آن، دسترسی فرمانده را به محل سکونت در مسیری کوتاه و آسان فراهم کرد (ت ۱). به طور مشخص ورودی سوم الحاقی است، چراکه آثار خشت‌های بریده‌شده بر و نمای درگاه به‌خوبی نشان می‌دهد که به شکلی ثانویه در دیوار ایجاد شده است. زمان ایجاد آن نیز به احتمال قوی هم‌زمان با جابه‌جایی ورودی دوم است؛ زیرا تنها کارکرد مؤثر آن دسترسی سریع و آسان به خانه فرمانده قشونی بود که پس از دفع فتنه آقاخان تنها ساکنین ارگ به‌شمار می‌رفتند. در واقع ایجاد این درگاه در زمان حیات مجموعه، که ساختارهای تدافعی به طور چشمگیری مورد توجه بود، ضعفی آشکار شمرده می‌شد. به این ترتیب وجوب ایجاد آن را بایستی همانند و هم‌زمان با جابه‌جایی دروازه، در کوتاه کردن مسیر حاکم‌نشین، دانست که حالا دیگر، به همراه مجموعه ارگ بم،



راهرو قرار گرفته‌اند. ادامه بستر صخره‌ای حاکم‌نشین، از زیر این برج تا سطح شارستان، دسترسی به کف راهرو را به‌آسانی فراهم کرده است. این ساختار ترکیبی، در مقایسه با طرح معمول ورودی قلاع و شهرهای کهن، سیمایی از یک دروازه را عرضه می‌کند. بنا بر این جایگاه دروازه اولیه حاکم‌نشین در این موقعیت بوده است. با تأیید ساختاری هلنیستی برای بدنه مستطیل شکل شارستان، که در پژوهش‌های پیشین بر آن تأکید شده بود، وجود دروازه‌ای در این جبهه از شهر محرز به نظر می‌رسد. دروازه اولیه‌ای، که در این پژوهش معرفی شد، بازمانده‌ای از باروی محیطی اواخر دوره سلوکی یا اشکانی است که در دوره‌های بعد و احتمالاً ساسانی برج‌ها و راهروی آن با خشت‌هایی کوچک‌تر مرمت یا بازسازی شده است. این دروازه با توجه به داده‌های باستان‌شناسی و معماری، که اسناد تاریخی نیز آن را تأیید می‌کند، در اواسط دوره قاجاریه و با تحصن دو مرتبه‌ای آقاخان محلاتی و شهربندان فیروزمیرزا فرمانفرما تخریب شد. در سال ۱۲۵۸ و ۱۲۵۹ هجری، آثار تخریب ناشی از این وقایع، به دستور عباس‌قلی‌خان جهان‌بیگلو، حاکم کرمان، ترمیم شد و برای آمدوشد قشون، که حالا دیگر تنها ساکنین ارگ بم بودند، این دروازه، با افزوده شدن پوسته‌ای، بسته شد. در همین زمان با گشودن دروازه کنونی، گذری که دروازه اول را به خانه سیستانی در مرکز ارگ وصل می‌کرد، با ایجاد مسیری جدید و با محوری کوتاه‌تر از یک‌طرف به خانه فرمانده قشون و حاکم‌نشین و از سویی دیگر به اصطبل و سربازخانه متصل گردید. به این ترتیب حاکم در حداقل زمان ممکن به خانه فرمانده قشون و حاکم‌نشین دسترسی یافت و سربازان نیز به‌آسانی می‌توانستند به سربازخانه و اصطبل رفت‌وآمد کنند.

موقعیت استراتژیک گذشته خود را به‌اجبار تا حد قابل توجهی از دست داده بود.

این مسیر، پس از گذشتن از دروازه چهارم، به خانه فرمانده قشون دسترسی می‌یابد و هم در ادامه به تراس بالایی حاکم‌نشین منتهی می‌شود (ت ۱). این ورودی درواقع طول مسیر دسترسی به مجموعه حاکم‌نشین را که از سربازخانه عبور می‌کرد به اندازه قابل توجهی کوتاه کرده است. با توجه به این نکته، ساخت سطحی شیبدار، با عملکردی که این ورودی یافت چندان پرهزینه به نظر نمی‌رسد. بنا بر این با توجه به تعجیلی که در انتخاب مصالح و چگونگی بازسازی دروازه اولیه با الحاق پوسته‌ای در آن دیده می‌شود (بنگرید به پاراگراف اول ذیل عنوان جابه‌جایی دروازه)، این تغییرات را به احتمال زیاد بایستی به اتفاقات ناشی از تحصن آقاخان نسبت داد و قدمت دروازه ثانویه به فراتر از اواسط دوره قاجاریه نمی‌رسد.

۵. نتیجه‌گیری

مجموعه ارگ بم یکی از مهم‌ترین آثاری است که بقایای یک شهر ایرانی را به طور قابل توجهی به تصویر می‌کشد. به‌رغم انجام پژوهش‌های متنوع در خصوص این شهر، از پاره‌ای آثار آن شناخت کافی وجود ندارد. یکی از این آثار دروازه دوم یا ورودی حاکم‌نشین است که در پژوهش حاضر مطالعه و بررسی شد. ساختار ثانویه دروازه کنونی که با الحاقات دوره‌های بعد به اثبات می‌رسد، نشان می‌دهد که ورودی در ابتدا در موقعیت دیگری بوده است. در بررسی ساختار معماری برج بزرگ واقع در فاصله ۵۰ متری شرق دروازه کنونی در حصار دوم، مشخص شد که ترکیب اولیه برج، اعم از دو نیم‌برج است که در دو سمت یک

۳۲. این ورودی به گفته آقای محمود توحیدی (از فرهنگیان بازنشسته و راهنمایان قدیمی مجموعه ارگ بم) طی دهه ۱۳۴۰ خورشیدی مسدود شد، ولی با وقوع زلزله سال ۱۳۸۲ و به‌ضرورت تخلیه آوار و انتقال مصالح، دوباره باز شد.

منابع و مأخذ

- آذرنوش، مسعود. «ارگ بم و مقایسه آن با شهرهای یونانی-باختری»، در سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، لوح فشرده تصویر، ش ۷، ۱۳۸۵.
- احمدی کرمانی، یحیی. *فرماندهان کرمان*، مقدمه و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. *خاتون هفت‌قلعه*، تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۶۸.
- _____. *فرمانفرمای عالم*، تهران: علم، ۱۳۶۴.
- _____. *نوح هزار طوفان*، تهران: نشر نامک، ۱۳۸۰.
- بایگانی پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن.
- بویس، ماری. «بی‌بی شهربانو و بانو پارس»، ترجمه حسن جواد، در مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۹ و ۱۰ (آبان ۱۳۴۶)، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- بهرامی، مانی. *تاریخ جامع بم و ارگ بم*، تهران: نشر مؤلف، ۱۳۹۴.
- پاکباز، رویین. *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: انتشارات زرین و سیمین، ۱۳۹۱.
- جودکی عزیزی، اسدالله. *گزارش مطالعات باستان‌شناسی ارگ بم*، گمانه‌زنی باستان‌شناسی محور بازار و گذرها، در آرشیو پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن، منتشر نشده، ۱۳۸۸.
- رجبی، پرویز. «آبانگان»، در مجله چیستا، ش ۳ (آبان ۱۳۶۰)، ص ۳۲۸-۳۵۹.
- زمانی، عباس. «قلعه‌دختر مزار بجستان گناباد»، در مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۴۳ (بهمن و اسفند ۱۳۵۱)، ص ۲۴۹-۲۷۰.
- سیرو، ماکسیم. «قلعه‌دختر شهرستانک»، در آندره گدار و دیگران، *آثار ایران*، ترجمه ابولحسن سروقدی مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰-۱۳۰.
- _____. «قلعه‌دختر قم»، در آندره گدار و دیگران، *آثار ایران*، ترجمه ابولحسن سروقدی مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، ص ۱۱۱-۱۱۹.
- صنعتی، همایون. «دومین قلعه‌دختر کرمان»، در مجله آینده، ش ۱۰ (۱۳۶۱)، ص ۶۸۱-۶۸۵.
- عدل، شهریار. «بررسی‌های باستان‌شناسی در بم»، در سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم. لوح فشرده تصویر مقاله. ش ۲، ۱۳۸۵.
- _____. «قنات‌های بم از منظر باستان‌شناسی، سیستم آبیاری در بم و پیدایش و تکامل آن از عهد پیش از تاریخ تا دوران مدرن»، ترجمه علی‌رضا عامری، در مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی در ایران، جلد ۵: ارگ بم، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و دیگران، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۴۷-۱۲۵.
- عدل، شهریار و افشین ابراهیمی و اسدالله جودکی عزیزی و شهرام زارع و محمدتقی عطایی و لیلا فاضل. «پایه‌گذاری روش علمی برای تاریخ‌گذاری مطلق خشت و چینه»، سخنرانی در دوازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳.
- کریمیان، حسن. «شهر بم از پیدایش تا تخریب»، در مجله اثر، ش ۳۶ و ۳۷ (۱۳۸۳)، ص ۵۵-۷۲.
- گوبه، هاینس. «ارگ بم»، ترجمه کرامت‌الله افسر، در کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۲-۳۶۵.
- مدرسی، فاطمه و نسرين سیفی. «قلعه‌دختر»، در مجله مطالعات ایرانی، ش ۲۱ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۲۲۳-۲۴۵.
- مهریار، محمد. «سیمای تاریخی ارگ بم»، در مجله اثر، ش ۱۶ و ۱۷ (۱۳۸۳)، ص ۳۹-۵۴.
- نوربخش، حمید و دیگران. *ارگ بم: همراه با تاریخ مختصری از تحول شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، تهران: طهوری، ۱۳۵۵.
- وزیری، احمدعلی‌خان. *تاریخ کرمان*، جلد ۲، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: چاپخانه بهمن، ۱۳۷۵.
- هدایت، رضاقلی‌خان. *روضه الصفاى ناصرى*، جلد ۱۰، تهران: اساطیر، ۱۳۳۹.